



احمد زهتاب چیان در بیشتر رویدادهای انقلاب مشهد
نقش آفرینی کرده است

پیروزی ۵۷، شادترین اتفاق زندگی ام بود

۵۴



تریبون آزاد محله احمدآباد با حضور فرماندار و شهردار منطقه برگزار شد

ترکش‌های ساختمان پزشکان به سمت زندگی مردم

فاطمه سیرجانی | هم‌زمان با دوازدهم بهمن به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه یک، تریبون آزاد در مسجد النبی (ص) محله احمدآباد برگزار شد. در این برنامه که با حضور محسن داوری فرماندار مشهد، جواد مسلم شهردار منطقه یک و برخی از معاونان و مسئولان و جمعی از اهالی محله برگزار شد، چند نفر از نمایندگان شوراهای اجتماعی محله به بیان مشکلات و دغدغه‌های اهالی پرداختند. در پایان این نشست، فرماندار به سؤالات و معضلات موجود در محله پاسخ گفت.

● گره ترافیکی در عارف ۹

یکی از اعضای شورای اجتماعی به عنوان نماینده محله پشت تریبون حاضر شد و از تراکم فزاینده برای ساخت بناهای مختص پزشکان، با توجه به ترافیک سنگین محدوده احمدآباد ابراز نارضایتی کرد. علی محمد صفر مقدم گفت: مشکلات ترافیکی محله سبب شده است بارها با نمایندگان شورای اسلامی شهر مکاتبه کنیم و خواستار رسیدگی به این معضل به ویژه در خیابان عارف ۹ شویم. اما متأسفانه از این پیگیری‌ها هنوز به نتیجه‌ای نرسیده ایم. سؤال او از شهردار این بود که چرا در گذشته با آنکه ساکنان محله را برای افزایش طبقات مازاد محدود کرده بودند، با وجود حجم ترافیک محدوده بیمارستان مهر، در فاصله نزدیک به آن مجوز ساخت دوساختمان پانزده طبقه پزشکی صادر شد. او در ادامه گفت: اهالی هر روز بر سر پارک خود روبرو می‌شوند و پارکینگ منزلشان، درگیر می‌شوند و قضیه به مداخله نیروی انتظامی و پلیس منجر می‌شود و متأسفانه پیگیری‌ها و نامه‌نگاری‌ها برای رفع معضل این خیابان تا الان بدون نتیجه مانده است.

● سرویس‌های بهداشتی در بسته!

اصغر عباسی، عضو هیئت امنای مسجد النبی (ص)، نیز معضل وجود ساختمان‌های پزشکان و ایجاد ترافیک در محله را مطرح کرد. او در ادامه صحبت‌ها به پارکینگ پانزده طبقه بیمارستان مهر اشاره کرد: موضوعی که بارها شهردار را به آن پرداخته است؛ یعنی پارکینگ که در ابتدای ساخت با هدف بهره‌برداری پنجاه درصدی عموم مردم کلنگش به زمین خورد. اما در ادامه به پارکینگ خود و کادر پزشکی و درمانی بیمارستان اختصاص یافت. عباسی در ادامه گفت: اینجا در قدیم روستا بود، آرام و با صفا با خانه‌های ویلایی و سرسبز. با ساخت بیمارستان قائم (عج) و در ادامه، سبز شدن ساختمان‌های پزشکان و مراکز درمانی، آرامش از اینجا رفت.

او در ادامه از نبود سرویس بهداشتی عمومی در این محله گلایه کرد و گفت: صدها مطب و ساختمان پزشکان در این محله هست که در سرویس‌های بهداشتی آن‌ها به روی بیماران بسته است. این موضوع باعث شده است در کوچه پس کوچه‌های این محله شاهد صحنه‌های غیر بهداشتی و مشمئزکننده باشیم.

● درخواست جابه‌جایی ساختمان‌های پزشکان

یکی دیگر از اهالی که نمی‌خواهد نامی از او برده شود، می‌گوید: جور زیاده‌خواهی بعضی‌ها و خلأهای قانونی را ما مردم احمدآباد داریم می‌کشیم. وقتی قانون شود که پزشک می‌تواند در منزل طبابت کند و نیاز به ملک تجاری ندارد، خیلی از ساکنان، خانه‌هایشان را با مالغ زیاد به پزشکان اجازه می‌دهند، حتی می‌آیند ساختمان چند طبقه با مجوز مسکونی می‌سازند و همه را به پزشکان اجاره می‌دهند. هر کس به فکر منفعت خودش است. این قانون است که باید جلوی این هرج و مرج را بگیرد.

او در ادامه گفت: حتی طبقات پایین و پارکینگ آپارتمان‌ها تغییر کاربردی داده و تبدیل به آزمایشگاه، رادیولوژی و داروخانه یا انبار دارو شده‌اند و فقط در حد پارک یکی دو خودرو که آن هم مختص خود پزشکان است، فضای پارک وجود دارد.

این شهروند در ادامه به آمار حدود شصت هفتصد نفری پزشکان



او در ادامه افزود: اگر به موضوعی دغدغه دارید، با سماجت مطالبه‌گر آن باشید تا مسئولان را به این موضوع حساس کنید و به نتیجه برسید. اگر پزشکی تخلفی کرده است، باید امر به معروف شود. داوری درباره جابه‌جایی ساختمان پزشکان هم گفت: انتقال ساختمان و مطب پزشکان مستلزم جابه‌جایی بیمارستان قائم (عج) است. برای جابه‌جایی‌ها در طرح تفصیلی شهر فکری نشده است. در خصوص انتقال ساختمان پزشکان به پادگان ارتش هم باید بگوییم در هیچ یک از طرح تفصیلی‌های مشهد جابه‌جایی ساختمان پزشکان به پادگان ارتش در نظر گرفته نشده است.

فرماندار مشهد در ادامه افزود: ما از نظر قانونی نمی‌توانیم مانع از راه‌اندازی و خدمات درمان پزشکان باشیم، اما پزشکان محترم باید حداقل رفاهیات را برای مراجعان خود فراهم کنند، از جمله مجتمع‌های پزشکی باید سرویس بهداشتی و فضای برای پارک خودرو و مراجعان داشته باشند.

داوری در پایان ضمن جمع‌بندی مشکلات، به شهرداری منطقه برای پیگیری سه موضوع تأکید کرد: اول پیگیری پارکینگ‌های عمومی که تغییر کاربردی داده‌اند، دوم شناسایی ساختمان‌های پزشکان که در پارکینگ خود تغییر کاربری ایجاد کرده‌اند، سوم ارائه طرح و ایده‌ای برای راه‌اندازی پارکینگ عمومی و بررسی جابه‌جایی ساختمان پزشکان به مکان مناسب‌تر در راستای جلب رضایت عمومی.

مشغول به کار در محله احمدآباد اشاره کرد و از مسئولان خواست با پیگیری معضلات ناشی از ساختمان‌های پزشکان و مراکز درمانی، برای جابه‌جایی این مراکز به عنوان مشاغل مزاحم برای ساکنان محله اقدام کنند.

او ادامه داد: جابه‌جایی و کوچ پزشکان محله احمدآباد به این شهرک یا شهرکی شبیه آن می‌تواند خیلی از معضلات محله ما را رفع کند. حتی خبرهایی شنیده بودیم درباره جابه‌جایی ساختمان پزشکان مشهد به پادگان ارتش که آن هم ظاهراً فقط حرف بود.

● برای رسیدن به نتیجه باید مطالبه‌گر بود

فرمانده مشهد در ادامه نشست، در پاسخ به گلایه‌های مردم احمدآباد گفت: درباره نبود جای پارک و نبود سرویس بهداشتی باید این موضوعات را مطالبه کنید. باید از پزشکان بپرسید چرا از پارکینگ به عنوان داروخانه و رادیولوژی و... استفاده کردند و فضای پارک ۱۰ خود را گرفتند؛ چرا اجازه استفاده از سرویس بهداشت عمومی را نمی‌دهند و...

محسن داوری در ادامه از شهردار منطقه یک که در این نشست حاضر بود، خواست همه ساختمان‌هایی که فضای پارکینگ را به موضوعی غیر از پارک خود اختصاص داده‌اند یا پارکینگ‌های عمومی‌ای که اختصاصی شده است، شناسایی و برای رفع مشکلات موجود اقدام کنند.



منطقه ۲

فیزیکی دارد. شهردار منطقه ۲ مشهد افزود: در قالب این قرارداد تاکنون پیاده رو حدفاصل تقاطع شهید مطهری تا تقاطع ابوطالب با مساحت بیش از ۱۷ هزار مترمربع بازسازی شده و در حال حاضر حدفاصل تقاطع ابوطالب تا میدان فردوسی در حال بازسازی است. تقاطع شهید مطهری تا میدان فردوسی از مسیرهای پرتردد منطقه است که به دلیل راسته بازارهای مختلف، شهروندان بسیاری از معابر آن استفاده می کنند. بهسازی پیاده روهای می تواند در افزایش رضایت شهروندان مؤثر باشد. /

تعمیر روشنایی ۲ بوستان

سیستم روشنایی بوستان های حجاب و جامعه به شکل اساسی تعمیر شد. پروژه تعمیر روشنایی این دو بوستان با اعتبار ۱۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون ریال و متراژ ۸ هزار مترمربع در مدت سه ماه اجرا شد. این اقدام موجب افزایش امنیت و بهره وری بیشتر شهروندان از فضای بوستان می شود، به ویژه اینکه این دو بوستان در محدوده ای در منطقه قرار دارد که تراکم جمعیت در آن زیاد است. /

بهسازی پیاده رو

شهردار منطقه ۲ از تداوم بهسازی ۲۳ هزار مترمربع از پیاده روهای خیابان شهید قمری در تقاطع شهید مطهری تا میدان فردوسی خبر داد. سیدعلی حسین پور با اعلام این خبر افزود: در راستای بهبود و بهسازی پیاده روهای معابر منطقه، قرارداد بازسازی پیاده رو شهید قمری در محدوده مذکور با اعتبار ۱۹۰ میلیارد ریال و با متراژ بیش از ۲۳ هزار مترمربع منعقد و از اواخر اسفند سال ۱۴۰۱ آغاز شد و ۷۵ درصد پیشرفت

روکش آسفالت تقاطع هدایت

شهردار منطقه ۲ مشهد از تداوم عملیات روکش آسفالت تقاطع هدایت به بولوار شهید موسوی قوچانی خبر داد. این عملیات با حجم ۱۵۰۰ مترمربع در راستای تکمیل پروژه حق تقدم عابر پیاده اجرا شد. این پروژه با هدف ایمن سازی عبور عرضی عابران پیاده با اعتباری بالغ بر ۱۱ میلیارد ریال و با پیشرفت نود درصدی در حال اجراست. /

منطقه ۱

اجرای ۲ رأی قلع بنا در خیابان های ابومسلم و دستغیب

در راستای دستور مقام قضایی با رعایت همه موازین شرعی و قانونی و حقوقات شهروندی و همچنین برابری تبصره ماده صد قانون شهرداری ها، عملیات برش اسکلت طبقه مازاد دو خیابان ابومسلم و دستغیب انجام شد.

شهردار منطقه یک در این باره گفت: طبقه مازاد ساختمانی که این اقدام در آن انجام شد، ۶۴ مترمربع بود و بین آیت... دستغیب ۲۶ و ۲۸ قرار داشت. این عملیات با مدیریت عوامل اداره نظارت بر ساخت و سازهای این منطقه و هماهنگی دستگاه های قضایی و انتظامی انجام شد.

● ایجاد مزاحمت برای همسایگان

جواد مسلم با تأکید بر جلوگیری از ساخت و سازهای غیرقانونی و بدون مجوز بیان کرد: توجه به ساخت و سازهای اصولی و ضابطه مند بر اساس قوانین شهرسازی، همراه حفظ کیفیت سیمای بصری شهر، شهرداری این منطقه را بر آن داشته است تا با قاطعیت بیشتر بر روند ساختمان سازی نظارت کرده و از همه توان قانونی برای تأمین امنیت و آسایش شهروندان استفاده کند.

او بیان کرد: شهروندان قبل از انجام هرگونه معاملات ملکی به شهرداری مراجعه کنند و درباره بنا و ملک مدنظر استعلام بگیرند و از هرگونه ساخت و ساز غیرمجاز و فاقد ضوابط و مقررات شهرسازی خودداری کنند. همچنین در صورت مشاهده موارد تخلف ضمن تماس با سامانه تلفنی ۱۳۷ موضوع را به این سامانه اطلاع رسانی کنند.

مسلم در ادامه به عملیات برش اسکلت طبقه مازاد به متراژ ۱۵۰ مترمربع در ابومسلم ۱۴ اشاره کرد و گفت: مشابه همین اقدام در این ساختمان نیز انجام شد.

به گفته شهردار منطقه یک، ساخت طبقه مازاد می تواند مشکلاتی مانند فشار مازاد روی پی ساختمان و خطر برای ساکنان، اشراف ساختمان به آپارتمان های دیگر و ایجاد مزاحمت برای همسایگان، سایه انداختن روی کوچه و آب نشدن برف و یخ کوچه ها در فصل سرما، سرازیر شدن خودروهای بدون پارکینگ در معابر و... ایجاد کند. /

در گفت و گو با عضو شورای اجتماعی محله سعدآباد مطرح شد

مشکل ترافیک پمپ بنزین

سعدآباد ۷ ساله شد



حسین برداران فرا سعدآباد یکی از محلات اصیل و قدیمی منطقه یک است. اداره اوقاف و مجموعه ورزشی تختی هر کدام با نیم قرن قدمت در این محله قرار دارد. اعضای شورای اجتماعی محله سعدآباد در کنار حفظ اصالت و قدمت این محله، پیگیر مشکلات آن نیز هستند. میلاد گلزاده یکی از اعضای فعال و دغدغه مند این شورا است. او در این گفت و گو از مهم ترین مشکلات محله و پیگیری شورا برای رفع آن ها گفت. گلزاده گفت: یکی از مشکلات مهم این محله که باعث بروز ترافیک شده، پمپ بنزین سعدآباد است.

سه دوره است که شورای اجتماعی این محله برای رفع این مشکل پیگیری می کند، اما هنوز نتیجه ای حاصل نشده است. او اضافه کرد: در دوره جدید شورا مسیر ورودی پمپ بنزین و خیابان آبکوه ۵ جدا شد، اما متأسفانه با وجود تأکید بر اجرای دائمی طرح تغییر هندسی، جداسازی مسیر با مصالح موقت و موانع کم دوام پلاستیکی انجام گرفت. بعد از آن نیز به مرور زمان و از روی عمد، این موانع موقت کنده شد و عملاً طرح جداسازی عقیم ماند. این عضو شورای اجتماعی محله

سعدآباد در ادامه با گلایه از شهرداری منطقه یک گفت: چرا در اجرای یک طرح دائمی باید از مصالح موقت و موانع پلاستیکی استفاده شود؟ به هر حال هر هزینه ای صرف شده، از جیب شهروندان پرداخت شده است. حداقل انتظار ما این است که بعد از هفت سال این مشکل به سرانجامی مطمئن برسد. گلزاده در ادامه افزود: دیگر مشکل محله، کمبود فضای ورزشی است؛ با توجه به وجود مجموعه ورزشی تختی در محله، پیشنهاد ما این بود که بخشی از امکانات مجموعه ورزشی تختی در ساعاتی از روز

در اختیار شهروندان ساکن محله قرار گیرد. اهالی مشکلات این مجموعه ورزشی مثل ترافیک و نبود جای پارک را تحمل می کنند؛ چرا نباید از امکانات و ظرفیت های مجموعه استفاده کنند؟ اگر این امکانات رایگان باشد، چه بهتر، وگرنه اهالی هزینه اش را پرداخت می کنند. او پیشنهاد کرد: بسیاری از اعضای شورا و شهروندان محله در حوزه شهری، عمرانی، ساخت و ساز دارای ایده و صاحب نظر هستند؛ شهرداری می تواند از این ظرفیت ها استفاده کند. /

منطقه

۱

مسجد امیر المؤمنین^(ع) در محله خین عرب افتتاح شد

هدیه مادر شهید غفاریان به مردم محله



سعیده ساجدی نیا اقصه مادرانگی فاطمه قاسم خانی، مادر طلبه شهید علیرضا غفاریان و فایه ای که همه جوانی اش را در مسیر مبارزات انقلابی هزینه کرد و در جریان جنگ تحمیلی، پسرش را فدای ایران کرد، به همین ها ختم نمی شود. فاطمه قاسم خانی خیلی زود خانه اش را به یاد فرزند شهیدش وقف امور فرهنگی حوزه علمیه کرد. مادر شهید غفاریان دلش می خواست کار دیگری هم به نیت همسر مرحوم و فرزند شهیدش انجام دهد.

این بار پیشنهاد ساخت مسجدی در حاشیه شهر را مطرح کرد، خواسته ای که همه دار و ندارش را برای این نیت پای کار آورد؛ همه طلاهایش را فروخت و حتی فرش های زیر پایش را برای فروش کردن مسجد کنار گذاشت. کلنگ مسجد در روستای فریزی خین عرب بر زمین خورد و بیش از دو سال ساخت آن طول کشید.

سرانجام این مسجد، چهارشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۲ در شب میلاد امیر المؤمنین علی^(ع) با حضور مادر شهید، جمعی از مدیران شهرداری و اهالی محل به طور رسمی به بهره برداری رسید.

● خین عرب فقط يك مسجد دور افتاده داشت

آن طور که عضو شورای اسلامی خین عرب می گوید، محله

خین عرب با نزدیک به ۵ هزار نفر جمعیت، فقط مسجد امام سجاد^(ع) را داشت که گلی و چوبی بود و چندین بار پس از انقلاب تخریب و بازسازی شد. با این حال مشکل بزرگ ساکنان این بود که این مسجد در ابتدای محله قرار داشت و نمازگزاران ناگزیر بودند مسیر زیادی را در رفت و آمد باشند.

حبیب... یزدانی ادامه می دهد: خوشبختانه مسجدی که توسط مادر شهید غفاریان وقف شد، در میانه محله قرار دارد و دسترسی و رفت و آمد به مسجد راحت تر شده و همین موضوع پای علاقه مندان و نمازگزاران را به مسجد باز کرده است تا آنجا که با وجود تازه ساز بودن و نداشتن برخی امکانات، اولین اعتکاف بانوان را امسال در این مسجد برگزار کردیم.

به گفته او آموزش های قرآنی نیز از همان روزهای نخست در فضای مسجد شروع و با استقبال خوب اهالی مواجه شده است.

این مسجد که با نظر حاج خانم قاسم خانی، «امیر المؤمنین^(ع)» نام گرفته است، در سه طبقه به متراژ سیصد مترمربع ساخته شده و اقامه نمازهای ظهر و شب از چند ماه پیش در آن آغاز شده است.

منطقه

۲

احمد زه تاب چیان در بیشتر رویدادهای انقلاب مشهد نقش آفرینی کرده است

پیروزی ۵۷، شادترین اتفاق زندگی ام بود

حسین برادران فرا افتخارش این است که همه خاندانش، پدر، پدر بزرگ و جدش، از خادمان حرم مطهر رضوی و یاسبان این استان مقدس هستند و پرورش در این فضای روحانی و خانواده مذهبی، از او فردی مؤمن و معتقد ساخته است. او در نوجوانی با امام خمینی (ره) و قیامش همراه شد. هر چند اوایل، فعالیت های انقلابی اش محدود بود، بعد از آشنایی با رهبران انقلاب اسلامی در مشهد مانند شهید هاشمی نژاد، مرحوم آیت ا... طیبسی و رهبر معظم انقلاب در حلقه مبارزان پیشگام انقلاب مشهد قرار گرفت. او جزو معدود انقلابیون مشهوری است که در همه اتفاقات مهم قیام مردم مشهد مانند واقعه ده دی، حمله به حرم امام رضا (ره) و اولین قیام زنان مشهد حضور داشته است. احمد زه تاب چیان، انقلابی پیشکسوت مشهوری، ساکن محله شهید فرامرزی عباسی است.

منطقه ۲

خامنه ای می گوید: قبل از شروع جلسه، مطالب و مباحث جلسات کپی و بین حاضران پخش می شد. من در جریان جلسه سخنان آیت ا... خامنه ای را پشت کاغذهای نوشتم و تا چند سال قبل برگه های این جلسات را نگهداشته بودم. چند سال قبل، همه این مطالب را که به صورت دفترچه ای کوچک بود، در اختیار بنیاد حفظ آثار رهبر معظم انقلاب قرار دادم.

پیوستن به گروه چریکی

زه تاب چیان سال ۱۳۵۶ با پیوستن به یک گروه چریکی، تحت آموزش های عملی ویژه مبارزاتی قرار می گیرد. او می گوید: بیشتر فعالیت گروه انقلابی مادر بین سال های ۱۳۵۰ تا ابتدای سال ۱۳۵۶ به توزیع و تکثیر نوار، اطلاعیه و سخنرانی های حضرت امام خمینی (ره) می گذشت، اما یک اتفاق این روند را تغییر داد. بعد از خبر شهادت حاج آقا مصطفی، فرزند امام (ره)، موضع گروه تغییر کرد و تربیت گروه های چریکی برای مبارزه مسلحانه با ساواک و نیروهای رژیم در برنامه قرار گرفت. من نیز به عنوان یکی از این نیروهای چریکی آموزش سلاح، لوازم انفجاری، ورزش های رزمی را تحت مربیگری محمد نیری، مدیر عکاسخانه گویا، فرا گرفتم.

حاج احمد بعد از این آموزش ها در چند عملیات چریکی حضور پیدا کرد، تعریف می کند: سال ۱۳۵۷ که تجمعات انقلابی مردم به اوج خود رسیده بود، عده ای از بازنشسته های ارتش با تجمع در چهارراه لشکر و میدان عدل خمینی با شعارهای «جاوید شاه! جاوید شاه!» از رژیم حمایت می کردند. محمد نیری، مسئول گروه، دستور داد که جلوی این گروه نظامی را بگیریم. برای این کار دونفر از اعضای گروه چریکی به نام شهید سید احمد احمدی و اکبر دانایی مأمور شدند. آن ها سوار بر موتور نظم آنان را به هم زدند. بعد از این ماجرا ارتشی های بازنشسته ترسیدند و دیگر تجمع نکردند.

بحث های عقیدتی در خانه شریعتی

زه تاب چیان در سیزده سالگی پدرش را از دست داد و مجبور شد برای تأمین مخارج خود و خانواده کار کند. او در همین سنین در جلسات مذهبی حاضر و با امام خمینی (ره) و قیام ایشان آشنا شد. بعد از فوت ناگهانی پدر به عنوان پسر بزرگ خانواده برای تأمین معاش جذب بازار کار شدم و در مجتمع تجاری فیروزه نبش چهارراه شهدا در مغازه عقیق تراشی دایی ام مشغول به کار شدم. با وجود مشغله کاری ام، همیشه سعی می کردم در جلسات دینی و مذهبی حاضر شوم. در همین زمان با سید مهدی طباطبایی که از واعظان قدیمی مشهد است، آشنا شدم. در یکی از همین جلسات، سید مهدی رساله امام خمینی (ره) را نشان داد و ما اجرای قیام ایشان علیه ظلم شاه را تعریف کرد. از آنجا با امام (ره) آشنا شدم.

سال ۱۳۵۰ احمد زه تاب چیان در جلسه ای که آیت ا... خامنه ای برگزار می کردند، حاضر و با واقعیت قیام و انقلاب امام خمینی (ره) آشنا شد. خودش می گوید: جلسه ایشان در مسجد امام حسن مجتبی (ع) واقع در خیابان دانش برگزار می شد. در این جلسه، برای اولین بار با شهید هاشمی نژاد و مرحوم طبیبی آشنا شدم. زمینه آشنایی من با مرحوم دکتر علی شریعتی نیز از همین جلسه فراهم شد.

او دومرتبه همراه شهید هاشمی نژاد به منزل دکتر شریعتی رفت، می گوید: در یکی از همین دیدارها شهید هاشمی نژاد و مرحوم دکتر علی شریعتی بحث های عقیدتی را مطرح و بحث و گفت و گو می کردند. من و چند نفر دیگر نیز حرف های آن ها را گوش می کردیم. بعدها که شهید هاشمی نژاد کتاب «درسی که امام حسین (ع) به انسان ها آموخت»، را نوشت، بخش هایی از این کتاب درباره همین بحث های عقیدتی با مرحوم دکتر علی شریعتی بود.

در این سال ها هنوز موج انقلاب عمومی نشده بود و به صورت محدود بین خواص دیده می شد. او درباره جلسات آیت ا...

تحصیل در مدرسه عسکریه عابدزاده

سرهنگ بازنشسته احمد زه تاب چیان سال ۱۳۳۵ در محله پایین خیابان به دنیا آمد. خانواده پدری او برای چندین نسل خادم حرم بودند. او می گوید: مرحوم پدرم (کر بلایی رجب)، عمو، پدر بزرگ و جد من پشت در پشت افتخار در بانی حرم مطهر رضوی راداشتند. خانواده ما افتخار نوکری حضرت رضا (ع) را بر هر کاری ترجیح دادند و حتی با وجود شرایط مناسب کار در ادارات دولتی از این کار اکره داشتند و هرگز مناصب دولتی و اداری را قبول نکردند. حاج احمد در خانه ای که هر سال در ماه محرم و رمضان، جلسات روضه های خانگی و قرائت قرآن برپا بود، رشد کرد و در این برنامه ها حضور فعالی داشت.

او در ادامه با اشاره به تحصیل در مدارس مذهبی و غیر رسمی می گوید: مرحوم پدرم چون اعتقادی به مدارس دولتی آن زمان نداشت، من را در مدرسه عسکریه که تحت مدیریت مرحوم عابدزاده بود، ثبت نام کرد. فعالیت این مدارس بر اساس تعالیم مذهبی و دینی بود. به عنوان مثال ماه رمضان دانش آموزان هر روز برای خواندن قرآن به مسجد گوه رشاد می رفتند. بچه های بیشتر خانواده های مذهبی مشهد در مدارس حاجی عابدزاده تحصیل می کردند. جواد پناهی، قاری مشهور، از هم کلاسی های من در مدرسه عسکریه و حاج آقا رئیسی، رئیس جمهور فعلی هم کلاسی برادر من در مدرسه جوادیه بودند.



جاسوس، من را نشان داد

زه تاب چیان در دوران مبارزات انقلابی خود بارها مورد تعقیب و گریز مأموران ساواک قرار گرفت اما بازیریکی و بدون اینکه شناسایی شود، از دست آنان فرار کرد. او تنها یک بار دستگیر شد، می گوید: مغازه مادر طبقه سوم پاساژ فیروزه قرار داشت. من هر روز ظهر برای اطلاع از جریانات و شنیدن سخنرانی های رهبران انقلاب به مسجد کرامت و منزل آیت ا... شیرازی می رفتم. روز ۱۷ دی سال ۱۳۵۶ مقاله ای با عنوان «ایران و انقلاب سرخ و سیاه» در روزنامه اطلاعات چاپ شد. در این مقاله دولتی ها به امام خمینی (ره) توهین کرده بودند. به همین دلیل ما تجمع بزرگی را در خانه آیت ا... شیرازی تشکیل داده بودیم و جمعیت زیادی آمده بودند. من که خیلی از این واقعه ناراحت شده بودم، بین جمعیت ایستادم و با صدای بلند شعار مرگ بر شاه

ببرم. من اصلاً از این موضوعات و مقوله ها سر در نمی آورم. الان هم برای نماز خواندن آمده بودم که مأموران شمان من را گرفتند، حرف هایم تأثیرش را گذاشته بود. سرهنگ زمان پور پرسید: اگر راست می گویی، ما را ببر تا مغازه ات را ببینیم. کنار پاساژ فیروزه ایستادیم. مغازه دارها که من را با مأمور دیده بودند، به دایی ام خبر دادند. او هم هرچه اعلامیه و نوار بود، برداشته و در جای دیگری پنهان کرده بود. زمانی که به در مغازه در طبقه سوم رسیدیم، مأمورها به دستور سرهنگ، همه مغازه را زیر و رو کردند. اما چیزی پیدا نکردند. سرهنگ زمان پور هم که مطمئن شده بود من بی گناهم، آزاد کرد و گفت: «پسر جان! دیگر با این مرتجعان کمونیست نگر دی! برو یک مسجد دیگر نمازت را بخوان.» من هم گفتم: «چشم جناب سرهنگ! این اولین و آخرین باری بود که توسط مأموران پلیس دستگیر شدم.»

برو مسجد دیگر نمازت را بخوان

او ادامه می دهد: همان طور که عقب پیکان نشسته بودم، بازبانی ساده و ملتسمانه به سرهنگ زمان پور گفتم: جناب سرهنگ! من یک کارگر ساده هستم و در همین پاساژ فیروزه شاگردی می کنم تا نانی برای مادر و خواهر و برادر یتیم



آرزو دارم کتاب زندگی ام را چاپ کنم

کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر عهده گرفتم. با همین سمت بعد از سال ها خدمت در سال ۱۳۹۳ از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازنشسته شدم. در دوران خدمت چون اغلب در سفر و گرفتار کارهایم بودم، فرصت کمتری برای رسیدگی به خانواده و فرزندانم داشتم. به همین دلیل بعد از بازنشستگی بیشتر وقتم را صرف خانواده و فرزندانم کردم. من دو پسر و سه دختر دارم که همه آن ها مؤمن و معتقد به انقلاب هستند و بارها از من خواستند که از خاطرات انقلاب و جنگ برای آن ها بگویم. هر زمان وقت کنم، برایشان حرف می زنم. یکی از آرزوهایم این است که بتوانم خاطرات انقلاب و جنگ را که حاصل پنجاه سال حضورم در عرصه های مختلف انقلاب است، جمع آوری و چاپ کنم تا نسل های آینده بدانند ما برای حفظ این انقلاب و نظام جمهوری اسلامی چه خون هایی نثار کردیم.



در روزهای بعد از پیروزی انقلاب، دشمنی ها، انتقام ها و مخالفت گروه های وابسته به رژیم شاه شروع شد. هر روز خبر می آمد که یک نفر را کشته یا در خانه ای بمب گذاری و آن را منفجر کرده اند. در چنین روزهای پرتلاطم و سختی به دستور سران انقلاب مشهد، گروه هایی از جوانان، دفاع از محلات شهر را بر عهده گرفتند؛ من نیز با آن ها همراه شدم. بعد از چند هفته به عضویت کمیته انقلاب اسلامی درآمدم. مبارزه با ضد انقلاب ادامه داشت تا فرمان تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی حضرت امام خمینی (ره) صادر شد. در همان روزهای اول به سپاه خراسان پیوستم و مسئولیت تدارکات و پشتیبانی سپاه خراسان در لشکر ۵ نصر را بر عهده گرفتم. در آن روزها برای تهیه امکانات شرایط دشوار بود، اما همه تلاشم را به کار گرفتم تا لشکر خراسان از لحاظ پشتیبانی و ادوات جنگی کم نیابد. و از لحاظ تسلیحات و امکانات مشکلی نداشته باشد. با وجود مخالفت فرماندهان به بهانه سرزدن به تجهیزات و امکانات لشکر در عملیات های مختلف از جمله خیبر، بدر، والفجر، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، کربلای ۱۰، میمک حضور داشتم و چند بار نیز مجروح شدم. بعد هم به دلیل عملکرد موفقیت آمیز در حوزه پشتیبانی جنگ به تهران رفتم و فرماندهی پشتیبانی حوزه مرکزی

● شاهد شهادت ها

سرهنگ بازنشسته احمد زهتاب چیان که در بیشتر راهپیمایی های مشهد حضور فعال داشت، شاهد شهید شدن چند نفر از انقلابیون فعال مشهد بوده و شهادت آن ها را با چشمان خود دیده است: «روزها و ماه های آخر پیروزی انقلاب، کار را تعطیل می کردم و هر جا که تظاهرات بود حضور داشتم. در روز ۲۶ آبان سال ۱۳۵۷ همان طور که همراه جمعیت راهپیمایان به طرف حرم مطهر می رفتم، نزدیک چهارراه شهیداماموران شروع به تیراندازی کردند. همان لحظه جوانی که جلوم بود، با اصابت گلوله به سرش نقش بر زمین شد و جابه جا به شهادت رسید. در همان لحظه، عکاسی دور بین به دستم رسید که از صحنه راهپیمایی عکس می گرفت. عکسی هم از همین شهید گرفت. بعد از چند روز فهمیدم این جوان شهید غلامرضا قدسی، دومین شهید انقلاب در مشهد بوده است.»

او حرفش را این طور ادامه می دهد: یکی دیگر از انقلابیون که شاهد شهادتش بودم، مهندس علیرضا مهدی زاده بود. پدر شهید از طلافروشان بازار بزرگ مشهد بود. آن روز تعداد زیادی از مردم در میدان طبرسی جمع شده بودند و شعار می دادند. ما موران وارد میدان شدیم. در همان بحبوحه، سربازی را دیدم که به زانو نشست و چند تیر را به مردی که نزدیکم ایستاده بود، شلیک کرد. خودم را بالای سرش رساندم. شهید مهدی زاده را نمی شناختم. روز بعد که عکسش را بین شهید دیدم، فهمیدم که شهید میدان طبرسی همان شهید علیرضا مهدی زاده بوده است. بعد از پیروزی انقلاب با شهادت دادن چند نفر از شاهدان، قاتل شهید مهدی زاده به دار مجازات آویخته شد. احمد زهتاب چیان در یکی از راهپیمایی هادر چهارراه خسروی مشهد، شهادت دیگری را از نزدیک می بیند. او می گوید: در جریان تیراندازی ساواک، تیری به جوانی اصابت کرد. او مقابل به زمین افتاد. خون همه بدنش را گرفته بود. نتوانستم کمکش کنم؛ فکر می کردم شهید شده است. بعد از پیروزی انقلاب در مرکز سپاه مشهد، همین جوان را ملاقات کردم. اولش باورم نمی شد که خودش باشد اما در گفت و گویی که با هم داشتیم، فهمیدم او همان جوان غرق خون در چهارراه خسروی است. او محمد حسین بصیر، فرمانده گردان کوثر بود. محمد حسین گفت «خدا نخواست شهید شوم و به آرزویم برسم.» سردار شهید محمد حسین بصیر، بعدها در جنگ تحمیلی بعد از دلاوری های بسیار به آرزویش که شهادت بود، رسید.

● اولین تجمع زنان انقلابی

زهتاب چیان همچنین شاهد اولین تجمع زنان انقلابی مشهد بوده و دستگیری زنان توسط نیروهای ساواک را با چشمان خود دیده است؛ می گوید: هر سال به مناسبت سالروز ۱۷ دی که روز کشف حجاب بود، مراسم و جشنی در مشهد برگزار می شد. آن روز در سال ۱۳۵۶ من در مغازه مشغول کار بودم. از خیابان سروصدا بی به گوش می رسید. کنار پنجره رفتم و متوجه شدم تعدادی از زنان محجبه و انقلابی از سمت چهارباغ حرکت کرده اند. آن ها تا بلوهای بزرگی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود «ما زنان مسلمان خراسان، آزادی خواهان در بند را خواهیم.» این اولین راهپیمایی زنان در مشهد بود. او ادامه می دهد: تا این صحنه را دیدم، فوری سوار موتورم شدم و خودم را به آن ها رساندم. زنان با صدای بلند مشغول شعار دادن بودند، در همین لحظه خود رویی از نیروهای نظامی جلوان ها توقف کرد. تعدادی از خانم ها را دستگیر کردند و به زور داخل خودروها بردند. من در چند قدمی آن ها شاهد این صحنه بودم، اما نتوانستم هیچ کاری کنم. بلافاصله خودم را به منزل آیت... شیرازی رساندم تا موضوع را اطلاع دهم.

احمد زهتاب چیان در باره روزهای پرتب و تاب پیروزی انقلاب می گوید: در فاصله بین ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ نیروهای رژیم آخرین تلاش های خود را برای سرکوب مردم انجام دادند. همه مردم مشهد در خیابان بودند. کسی به خانه نمی رفت. حکومت نظامی اعلام شد. اما بعد از فرمان امام خمینی (ره) برای شکستن حکومت نظامی، همه ما از خانه ها بیرون آمدیم و شعار دادیم. صبح ۲۲ بهمن شهر در سکوت عمیقی فرو رفته بود. ما برای شنیدن آخرین خبرها به منزل یکی از اقوامان که تلویزیون داشت، رفتیم. جمعیت زیادی در خانه آن ها جمع شده بودند تا پیگیر آخرین خبرها باشند. گوینده اخبار بعد از خواندن متنی، پایان حکومت پهلوی و برقراری حکومت اسلامی را اعلام کرد. این لحظه شادترین لحظه زندگی ام بود. بعد از آن، همگی بیرون رفتیم. همه مردم آمده بودند و با پخش شیرینی، پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک می گفتند.

احمد زهتاب چیان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با پیوستن به سپاه، خدمت و دفاع از آرمان های انقلاب اسلامی را ادامه داد.

حال و هوای نخستین اعتکاف
دانش آموزان سمپادی استان

شعری برای خدا



فاطمه سیرجانی پشت در حسینه حضرت زهرا (س)، انبوهی از کفش‌ها مرتب چیده شده است و صدای مناجات خوانی شنیده می‌شود. سالن حسینه حدود سیصد چهارصد متر است که دور تادورش دختران نوجوان نشسته‌اند و خانمی بالای سن، بعد از اینکه مناجات خوانی را به پایان می‌رساند، جملائی در باره ارتباط با خدای گوید. اینجاقرار است سه روز دختران نخبه شهر و استانمان با خدای خود خلوت کنند؛ مراسم اعتکافی که اداره استعداد های درخشان آموزش و پرورش با همراهی آستان قدس رضوی برای ۳۵۰ دانش آموز دختر و پسر نخبه سمپادی در ایام البیض تدارک دیده است.

منطقه



مشهد و شهرهایی چون تربت جام، گناباد، نیشابور و... است. به گفته سرپرست ثابت و مدیر این مراسم، اعتکاف دانش آموزان سمپادی استان برای نخستین بار است که برگزار می‌شود. به آبدادی، معاون پرورشی دبیرستان فرزنگان ۵، در ادامه می‌گوید: امسال خدا توفیق داد برنامه هماهنگ اعتکاف را برای دانش آموزان نخبه سرتاسر استان خراسان رضوی برگزار کنیم. او در توصیف این مراسم می‌گوید: اخلاص، ایمان و صفای قلبی که من در این سه شب از دختران گلم دیدم، توصیف ناپذیر است. گاه در دل شب می‌دیدم عزیزی یک گوشه دنج را اختیار کرده و در حالی که چادر به صورت کشیده است، اشک می‌ریزد و با خدای خودش راز و نیاز می‌کند. دیدن گدعه‌ها و جمع‌هایی با موضوع مباحثه دینی و عرفانی و به چالش کشیدن تا رسیدن به نتیجه منطقی، زیبایی شب‌هایی بود که پشت سر گذاشتیم. به آبدادی که از یک روز قبل از شروع مراسم اعتکاف در حسینه حضور دارد، از فردا شب که شب جدایی است، می‌گوید دلی که از حالا گرفته است، «رافقت و دوستی‌ای که در همین مدت کوتاه سه شبانه روز بین بچه‌ها ایجاد شده، عجیب دل چسب است و به همان اندازه جدایی، سخت. تک‌تک این دخترها که شاید اسم آن‌ها را ندانم، اما به چهره خوب می‌شناسمشان، مثل دختر خودم عزیز هستند.»

کم کم بچه‌ها در دسته‌های پنج‌شش‌تایی دور هم جمع می‌شوند برای خواندن دعا و نیایش و مناظره در باره موضوعی خاص و بحث و تبادل نظر درباره آن. از حسینه که بیرون می‌زنم، باران باریدن گرفته است؛ باران رحمت الهی که شاید یکی از دعا های معتکفان باشد برای بارش باران و برکت الهی در این سرزمین.

میان سال می‌گوید: در بهشت رضا^(ع) بودیم. قرار بود فقط خبری از پرسا، نوه ام، بگیریم، اما قسمت شد که نماز را جماعت بخوانیم و سر سفره افطار میهمان ناخوانده‌شان شویم. او معتقد است که تجربه این برنامه‌ها و دورهمی‌های معنوی در سنین کم و در کنار گروه هم‌سن و سال‌هایی تواند در بارور کردن ارزش‌های دینی و مذهبی بچه‌ها بسیار تأثیرگذار باشد. پرسا با راحمدی، دانش آموز دبیرستان فرزنگان ۲، مشغول چیدن سفره است. مادر بزرگش صدایش می‌زند تا چند کلام هم از زبان خودش بشنویم. او اولین تجربه اعتکاف دانش آموزی اش با دوستانش را بسیار شیرین و خاطره‌انگیز می‌خواند و از اعتکاف چند سال قبلش در مسجد محله می‌گوید که خیلی سخت و کسل کننده گذشته است. «آن سه روز برخی بزرگ‌ترها، خیلی سخت می‌گرفتند. به همه کارمان کار داشتند و حتی خنده‌های ریزمان را حرمت شکنی به مکان مقدس مسجد می‌دانستند. خاطره خوشی از آن سه روز ندارم، اما اینجادر کنار نماز و دعا و نیایش، مباحثه داشتیم، مسابقه اجرا شد، تفریح و سرگرمی و بازی هم برقرار بود. این هادر کنار دوستان، اعتکاف معنوی پر خاطره‌ای را برای مارقم زد، به ویژه که همه بچه‌های سمپادی و نخبه بودند.»

در انتظار اعتکاف سال بعد

شلوغی و همه‌همه بعد از افطار هم ادامه دارد. بچه‌ها بعد از باز کردن روزه به مدت یک ساعت می‌توانند از گوشه‌هایشان استفاده کنند. در این فاصله دخترها با خانواده تماس می‌گیرند و حال و هوای مراسم اعتکاف را برایشان بازگو می‌کنند. دختر نوجوانی در حالی که برگه و خودکار آبی در دست دارد، به سمت می‌آید. می‌پرسد: شما خبرنگارید؟ با تأیید من، برگه را پیش روی می‌گیرد و می‌گوید: همین الان شعری گفتم که دوست دارم برایتان بخوانم. مناسب شعرم همین شب و روز هاست و بعد شروع می‌کند به خواندن: سه روز اینجا آشیانه مابود / این سه روز نوری در دل مابود / این سه روز بود بر پانماز / معتکفان می‌کردند با خدا راز و نیاز....

دختر نوجوان غزاله نام دارد. سیزده سال دارد و از مدرسه فرزنگان ۳ در این مراسم حاضر شده است. غزاله قهرمان رشته ژیمناستیک و دارنده چند مدال طلای کشوری در رده حرفه‌ای است. او هم حضور خدا را در اعتکافی که اولین تجربه اش است، بیشتر حس کرده است؛ حال خوشی که دوست دارد سال‌های دیگر در این ایام دوباره تجربه کند.

دورهمی خاطره‌انگیز برای سمپادی‌ها

راضیه به آبدادی را در حال سرزدن به بچه‌ها و پرس و جواز حال و احوال آن‌ها می‌بینم. او درباره این مراسم می‌گوید: در این برنامه حدود ۳۵۰ دانش آموز دختر و پسر نخبه در زمینه‌های علمی، هنری، ورزشی و... حضور دارند. حسینه مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی در این ایام، میزبان حدود ۱۳۰ دختر دانش آموز از مدارس فرزنگان

حس خوش معتکف شدن

قبل از آمدن به مراسم می‌دانستم خانم «به آبدادی» سرپرست و مدیر آن است. پیدا کردن او در آن جمعیت، کار آسانی نیست. برای دقایقی برق‌ها خاموش می‌شود. آسمانی آبی با ابرهای سفید که بخشی از تزیینات مسجد است، روی سقف روشن می‌ماند. برای دودقیقه سکوت برقرار می‌شود تا بچه‌ها با خدای خودشان در دل حرف بزنند. برخی نگاه‌ها و دست‌ها به سمت آسمان آبی است و عده‌ای چادر به صورت کشیده‌اند و اشک می‌ریزند. چراغ‌ها که روشن می‌شود، صدای پیش‌خوانی اذان، فضا را پر می‌کند. ولوله‌ای به راه می‌افتد. عده‌ای شروع به انداختن سفره و مهبیا کردن بساط افطار می‌کنند و عده‌ای دیگر در قسمت جلو حسینه مشغول پهن کردن سجاده‌های نماز هستند.

نرگس چهارده ساله از نیشابور به همراه دوستانش، زینب و نگار آمده است. او که اولین حضور در مراسم اعتکاف را تجربه می‌کند، همان طور که برای خواندن نماز اول وقت آماده می‌شود، می‌گوید: از حس و حال خوب این مراسم زیاد شنیده بودم، اما چیزهایی در همین یک روز و نیم حضور در این مراسم تجربه کردم که توصیف ناپذیر است. نرگس که دارنده مدال برنز کشوری در رشته کاراته و جزو برترین‌های دبیرستان فرزنگان نیشابور است، ادامه می‌دهد: من در سرتاسر زندگی حضور خدا را حس می‌کنم و سعی کرده‌ام ارتباط خوبی با خالقم داشته باشم، اما اینجا تازه فهمیدم معتکف شدن و خلوت با خدا یعنی چه. علاوه بر نرگس که از نیشابور میهمان شهر امام رضا^(ع) است، یاسمین، نگار، فاطمه، زهرا و حسنا، کوثر و... هم از تربت جام، گناباد و تربت حیدریه به این مراسم دعوت شده‌اند تا بعد از سه روز عاشقی، نایب‌الزیا به ملتسمان دعا در حرم امام رضا^(ع) هم باشند.

با خاطره خوش می‌رویم

بعد از اقامه نماز جماعت، دخترها برای باز کردن روزه پای سفره افطار می‌نشینند. از مادعوت می‌شود سر سفره مربی‌ها و خدمتگزاران به معتکف‌ها بنشینیم. زن جوانی که روبرویم نشسته است، می‌گوید: کاش ماهم در نوجوانی این تجربه‌ها را داشتیم. زن میان‌سالی که تازه نمازش تمام شده است، کنار زن جوان می‌نشیند. آن‌ها مادر و مادر بزرگ یکی از دخترها هستند. بی‌آنکه چیزی بپرسم، زن



طرح معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه یک
برای رهایی زندانیان جرائم نقدی

«عید تا عید» به نیت پدران آسمانی



منطقه

۴



فاطمه سیرجانی | میانه کوچه

رضوی ها، مغازه سیم پیچی آقای
لوکیان به چشم می خورد. ویتترین پراز
ابزار آلات و انواع موتور و وسایل برقی است
که از فنی بودن صاحب آن حکایت دارد. محمد
لوکیان بیش از سی سال است در همین مغازه به
تعمیر انواع موتور و وسایل برقی می پردازد. از موتور انواع
کولرهای آبی که بیشترین قسمت کارش را شامل می شود، تا
موتور آسیاب و تنور برقی و انواع بالابر. او در این گفت و گو به ما
درباره کارش می گوید.

● از شاگردی تا تعمیر موتور

مغازه آفتاب گیر است. ظهر که نزدیک می شود، کم کم روشنائی آفتاب به
درون مغازه نیمه تاریک می خزد و آنجا را کمی روشن می کند. صاحب مغازه
حدود شش دهه قبل در محله ای معروف به هشت آباد و کوچه حاج رجب به دنیا
آمد. بعد از گرفتن مدرک سیکل به سفارش برادر بزرگ تر در مغازه سیم پیچی یکی
از دوستان برادر به شاگردی رفت. او می گوید: زیاد اهل درس و مدرسه نبودم. سوم
راهنمایی را که تمام کردم، برادر من را برای شاگردی به مغازه سیم پیچی نزدیک
چهار راه زربنه فرستاد. تا قبل از آن اصلاً این شغل اطلاعی نداشتم و فقط اسمش
را شنیده بودم. تا شش ماه اول کارم پادویی بود و آب و جارو کردن مغازه. در همان
مدت فهمیدم به جز موتور کولر که بیشترین دلیل مراجعه مشتری ها بود، در تابستان
موتور بالابر آسانسورها، موتور آسیاب ها، نوار نقاله در دامداری ها و مرغداری ها
و... از جمله موتورهایی است که برای تعمیر به مغازه استاد کارم، آقای طوسی، آورده
می شود.

● وقتی موتور آتش گرفت

از لوکیان درباره تجربه اولین کاری که به دستش سپرده شد، می پرسیم. می گوید: اولی را
که یادم نیست، اما یک روز استاد کار نبود و موتور سنگینی برای تعمیر آورده بودند. مشتری
عجله داشت، من هم که فکر می کردم کار بلد شده ام، خودم تعمیر موتور را دست گرفتم.
وقتی کار سیم پیچی تمام شد، برای اینکه لاکی که برای عایق بندی استفاده شده بود،
زودتر خشک شود، گرمش کردم که همان گرما باعث آتش گرفتن موتور شد.
اواز کارهای اورژانسی هم می گوید که در این حرفه کم نیست، «چند وقت قبل، بنده
خدایی موتور دستگاه نقاله دان مرغداری اش را آورده بود و می خواست هر چه سریع تر
درستش کنم. می گفت اگر غذا دیر به مرغ هابرسد، عصبی می شوند و ممکن است به
جان هم بیفتند و یکدیگر را زخمی و خونی کنند. وجود خون و مرغ زخمی، یک مرغداری
را به آشوب می کشد که دیگر نمی توان جمعش کرد. این کارها استثناست. اگر مشتری
این نوع کار را برایم بیاورد، در نظرم اولویت دارد تا موتور کولر یا دستگاهی که اگر
دیرتر هم آماده شود، آب از آب تکان نمی خورد.»

آقا محمد ادامه می دهد: شب عاشورای سه چهار سال پیش، سر شب بود که موتور یک
نانوایی را برایم آوردند. در حالی که دوروز عاشورا و تاسوعا را من اصلاً کار نمی کنم. اما
برای راه اندازی کار مردموبی نان نماندن اهالی آن محله قبول کردم. آن شب تاسپیده
سحر، تعمیر موتور را دست گرفتم. در حالی که صاحب کار بیرون مغازه تا خود صبح در
ماشین در انتظار نشسته بود.

فاطمه سیرجانی | مناسبت ها همیشه می تواند بهانه ای باشد برای مهرورزی. طرح «عید
تا عید»، یکی از طرح های خوب و امیدبخش است که به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی
منطقه مادر مساجد منطقه در حال برگزاری است؛ طرحی برای واسطه خیر شدن و انجام
گل ریزان به نیت رهایی یک زندانی که می تواند پدر باشد و نان آور خانواده پائینی که
ناخواسته در آشفتگی های اقتصادی کم آورده و ناباورانه از پشت میله های زندان سر
در آورده است.

● برای آزادی زندانیان در بند

به گفته کارشناس اجتماعی معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه یک، طرح «عید تا
عید»، با هدف آزادی زندانیان جرائم نقدی کلید خورده است.

افسون فرامرزی در این باره می گوید: این طرح با میلاد حضرت علی (ع) و در اولین
روز اعتکاف شروع شد و تا مبعث پیامبر (ص) ادامه دارد. ما از طریق مساجد فعال
محله، اقدام به جمع آوری مبالغی برای آزادی زندانیان جرائم غیر نقدی خواهیم
کرد.

فرامرزی با بیان اینکه در این طرح دو نیت در نظر گرفته شده است، می گوید: نیت اول
شادی روح پدران آسمانی و دیگری سلامت و سر بلندی پدرانی است که در قید حیات
هستند.

او ادامه می دهد: با تأیید این طرح در ابتدا به سراغ ستاد دیه استان خراسان
رضوی رفتیم و با طرح موضوع، خواستار همراهی این ستاد شدیم. با موافقت آنان،
کارت خوانی از سوی این ستاد در اختیار ما قرار گرفت.

فرامرزی این طور صحبت هایش را ادامه می دهد: برای شروع، در ایام اعتکاف،
کارت خوان در اختیار هیئت امنای مسجد النبی (ص) قرار گرفت و تا شب عید مبعث،
این کارت خوان در مساجد محله خواهد گشت تا نمازگزاران و خیران محلات برای
واریز مبالغ اهدایی اذیت نشوند.

● اسلام، دین مهربانی

یکی از اعضای هیئت امنای مسجد النبی (ص) که مسئولیت جمع آوری مبالغ اهدایی و
کارت کشیدن در دستگاه کارت خوان را عهده دار شده است، می گوید: این طرح حرکت
بسیار خوبی است. در حقیقت گام برداشتن در مسیر باقیات الصالحات و توشه ای برای
آخرت است.

اصغر عباسی ادامه می دهد: در میان زندانیان جرائم نقدی، کسانی هستند که
کاسب و کارمند و آدم های آبروداری بوده اند و گمان نمی کرده اند که یک روز
پشت میله های زندان باشند. اما یک محاسبه اشتباه و یک ورشکستگی
پای آن ها را به زندان کشانده است.

عضو هیئت امنای مسجد النبی (ص) با بیان اینکه «دین مادی
رأفت و مهربانی است»، ادامه می دهد: چه خوب است در
ایامی که روز پدر را پشت سر گذاشته ایم و عید مبعث
پیامبر مهربانی ها را در پیش داریم، دست به دست
هم دهیم و برای رهایی پدرها از پشت میله های
زندان قدمی برداریم.

صندوق
خاطرات

قدیمی محله عبادی از خاطرات
تلخ و شیرین حرفه سیم پیچی
می گوید

آتش گرفتن موتور در اولین تجربه



منطقه



محلات منطقه ۲:

۱: احمد آباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب الزمان (عج)، سعد آباد، شهید کلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر

۲: زکریا، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین (ع)، هدایت، ایثارگران، قدس، حضرت ابوطالب، هنرور، سمرقند، آیتا... عبادی، شهید فرامرزی عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه قند، حضرت عبدالمطلب، شفا، شهید مطهری، عامل، حسین باشی و کاشانی

مدیرمسئول: سیدمیتهمسوی مهر
سرپرست: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیرشهرآرامحله: فاطمه خلخالی استاد
دبیرشهرآرامحله منطقه ۲: محبوبه فرامرزی
تلفن شهرآرامحله منطقه ۱: ۳۸۴۸۱۵۷۱
تلفن شهرآرامحله منطقه ۲: ۳۷۱۷۵۶۷۲

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
دفترمنطقه ۱: خیابان ابن سینا، تقاطع پاستور، طبقه اول، ساختمان اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک.
دفترشهرآرامحله منطقه ۲: میدان فهمیده، پارک پردیس، ساختمان اداره فضای سبز
سایت مشهدچهره: mashhadchehreh.shahranews.ir
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از: shahranews.ir

اعتکاف نخبگان در محله آبکوه

را به این دنیا وصل می کند، چشم ببندند و گوشه دنج آرامش در پناه خدا بودن را لمس کنند. آنان آمده بودند، در حالی که کوله بارشان پر بود از سؤالات دینی و شبهات مذهبی. حضور کارشناسان و مشاوران و مربیانی از مرکز مشاوره جوانان آستان قدس رضوی، فرصتی بود برای برپایی گعده و دورهمی برای بحث و گفت و گو و رسیدن به پاسخ آن شبهات و سؤالات دینی و مذهبی.

فاطمه سیرجانی | امسال در ایام اعتکاف، مسجد امام رضا (ع) در محله آبکوه، میزبان پسران دانش آموز نخبه از سرتاسر شهر بود. در این مراسم که به همت اداره استعداد های درخشان آموزش و پرورش و با همراهی آستان قدس رضوی برگزار شد، حدود دویست نفر از دانش آموزان پسر سمپادی و نخبه حضور یافتند. آن ها آمده بودند تا سه شبانه روز به دور از همه منیت ها با پروردگار خود خلوت کنند، روی تعلقات دنیایی و هر آنچه آن ها



رنگ عکس: حدیث فقیری/شهرآرا



علیرضا و مهدی حسن زاده برادرند؛ برادران دوقلوئی که امسال تصمیم گرفتند در مراسم اعتکافی که برای استعداد های درخشان برگزار می شد، شرکت کنند. این دوبرادر هفده ساله که سال یازدهم را پشت سر می گذارند، حضور در این مراسم رایک تجربه خوب و پر خاطره برشمردند. به گفته این دوبرادر، صفا و صمیمیت و فضای معنوی ای که در این سه روز تجربه کردند، جزو بهترین خاطرات دوران دانش آموزی و باهم بودنشان خواهد بود.

در این ایام علاوه بر دانش آموزان و مربیان پرورشی مدارس، کارشناسان و مربیان آموزشی از آستان قدس معتکف این مسجد بودند تا پاسخ گوی سؤالات دینی و مذهبی بچه ها باشند؛ نشست ها و دورهمی هایی که با استقبال خوب دانش آموزان مواجه شد.



در این مراسم اعتکاف دانش آموزی علاوه بر دعا و نیایش، جلسات بحث و مجادله، بازی و تفریح هم برقرار بود. امیرعلی و امیررضای چهارده ساله و محمد صالح سیزده ساله، سه دوست و از دانش آموزان نخبه دبیرستان هاشمی نژاد هستند. آن ها را مشغول یک بازی فکری می بینم. این سه نوجوان تنوع برنامه ها و یک نواخت نبودنش را از بخش های جالب این مراسم می دانند؛ موضوعی که برای حضورشان در اعتکاف سال آینده یک جاذبه شمرده می شود.



مهدی ولایتی، کلاس نهم و امیرعلی صبور کلاس هفتم، از دبیرستان هاشمی نژاد ۴ در این مراسم حضور پیدا کرده اند. امیرعلی و مهدی، یکی از بهترین خاطرات این ایام را بعد از حس و حال خوش معنوی، بازی گروهی لیزر تک نام می برند. مهدی یکی از روش های جذب نوجوانان و جوانان امروزی به مراسم و برنامه های معنوی را همین متنوع بودن برنامه ها و توجه به روحیه و ظرفیت نوجوانان نسل جدید می داند.